

آثار مال حرام بر تربیت با تأکید بر آیات و روایات

اصغر هادوی^۱، روشن دهقانی^{۲*}

۱. استادیار دانشگاه شاهد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شاهد

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۴؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۱)

چکیده

یکی از مباحث مهم و ضروری در زندگی بشر، تحصیل رزق است که اموال یکی از مصادیق بارز آن محسوب می‌شود و به صورت مستقیم و غیرمستقیم آثاری بر جسم و روح افراد بر جای می‌گذارد و شاید عامل ترقی و تکامل روحی شود، اما انحراف و وابسته کردن اشخاص به مال و ثروت سبب می‌شود تا به هر وسیله‌ای هرچند نامشروع و حرام آن را به دست آورند. در این پژوهش سعی شده است با روش اسنادی، آیات و روایات بحارالانوار در ارتباط با آثار سوء مال حرام در تربیت فردی و اجتماعی بررسی شوند. نتایج به دست آمده حکایت از آن دارند که اثر مال حرام در بعد فردی شامل قساوت قلب و انحراف از مسیر حق و ولایت، هدر رفتن مال در کارهای بیهوده، عدم استجابیت دعا و قبولی اعمال است. در بعد اجتماعی نیز شامل پیامدهای سوء اخلاقی در نسل می‌شود که شامل دو دوران قبل و بعد از تولد است، همچنین تزییع حقوق اجتماعی، ایجاد فساد اخلاقی و اجتماعی، عدم رضایت پروردگار و نزول بلاهای عمومی و فقر اقتصادی در جامعه از دیگر تأثیراتند که سبب بروز مشکلات اقتصادی و منجر به فساد و مشکلات اخلاقی و تربیتی می‌شوند.

واژگان کلیدی

آیات، بعد اجتماعی، بعد فردی، تربیت، روایات، مال حرام.

مقدمه

مقتضی زندگی دنیوی و مادی انسان آن است که امکاناتی را برای آسایش فراهم آورد و به تأمین نیازهای مادی بپردازد. چنین امری شاید با کسب کردن مال (که یکی از مصادیق رزق است) حاصل شود، اما برخی از افراد در این مسیر به انحراف دچار می‌شوند و کسب مال را هدف اساسی زندگی قرار می‌دهند و سعی می‌کنند هرچند به صورت نامشروع آن را کسب کنند. در این صورت هشدارهای قرآن برای دقت در تغذیه‌ای که از اموال و کسب درآمد به دست آمده، نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس: ۲۴). منظور از نگاه کردن به مواد غذایی این است که دقیقاً بنگرند که آنها را از چه راهی تهیه کرده‌اند؟ حلال یا حرام؟ مشروع یا نامشروع؟ و به این ترتیب به جنبه‌های اخلاقی و تشریحی توجه داشته باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۱۴۵). نوع تغذیه، آثاری فراتر از جسم بر جای می‌گذارد؛ زیرا انسان دارای دو بعد جسمی و روحی است. بنابراین، کسب مال از جمله مواردی است که در جسم و روح اثر می‌گذارد و از عوامل زمینه‌ساز تربیت محسوب می‌شود و اولین تأثیر مال حرام بر روی باور و رفتارهای فردی است که در پی آن آثار اجتماعی نیز نمایان می‌شوند. پژوهش‌های مختلفی در این زمینه انجام گرفته است،^۱ اما در هیچ‌یک از آنها آیات قرآن و جوامع روایی شیعه درباره این موضوع بررسی نشده‌اند. در این مقاله افزون بر آیات، جامع روایی بحارالانوار نیز درباره این موضوع بررسی شده است.

گرچه در متون مذکور مال حرام و آثار آن در یک گزاره به صورت شرط و جزا ذکر نشده‌اند، از کنار هم قرار گرفتن گزاره‌های در ظاهر مستقل، این رابطه نتیجه خواهد شد.

۱. گوهری (۱۳۷۱) کتابی تحت عنوان مفاصد مال و لقمه حرام؛ محمودیان (۱۳۸۹). پایان‌نامه‌ای تحت عنوان بررسی اثر کسب درآمد حلال در تربیت انسان، و ... که بیشتر از آثار اخروی مال حرام یاد شده است.

در این پژوهش نگاه گذرایی به مفهوم "مال"، "حرام" و "تربیت" شده است و در پی آن مختصری از مصادیق می‌آیند. آنگاه به بررسی آثار مال حرام بر تربیت افراد در بعد فردی و اجتماعی پرداخته می‌شود. شایان ذکر است که یافته‌های استخراج شده ابتدا براساس آیات بوده‌اند و سپس به روایات مرتبط در بحارالانوار پرداخته شده است.

۱. بررسی مفهومی متغیرهای تحقیق

۱.۱. مال

به معنای هر آن چیزی که قابل تملیک باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۶۳۵) و هر آنچه در تصرف کسی باشد، خواسته، ثروت، دولت و توانگری را مال می‌گویند (دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۴۳: ۸۲). در نزد روستاییان بر دام و ستور مانند شتران و گوسفندان اطلاق می‌شود (بستانی، ۱۳۷۵: ۷۷۱).

در اصطلاح فقها به معنای چیزی که طبع به آن مایل باشد، اعم از منقول و غیرمنقول (تهانوی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۳۵۱) و در اصطلاح حقوقی عبارتند از هر چیزی که انسان می‌تواند از آن استفاده کند و قابل تملیک باشد (دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۴۳: ۸۵).

۲.۱. حرام

حرام به معنای ۱. ممنوع بودن؛ ۲. برای منع قهری و جبری که از نتیجه چیزی حاصل می‌شود؛ ۳. از جهت منع عقلی یا شرعی است؛ ۴. از ناحیه کسی است که فرمانش پذیرفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۲۹).

حرام به چیزی گفته می‌شود که از طریق نامشروع و بر خلاف نظر دین و فقه اسلامی به دست آمده باشد، به عبارت دیگر آنچه بر خلاف فرمان الهی باشد و خداوند آن را ممنوع کرده باشد، حرام نامیده می‌شود و هر مالی که برخلاف دستور الهی به دست آمده، مال حرام گویند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۴: ۲۷۷).

۳.۱. تربیت

برای مفهوم تربیت تعریف‌های گوناگونی ارائه می‌شود. تربیت، پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی است که بالقوه در یک شیء وجود دارد (مطهری، ۱۳۷۱: ۲۰). مراد از استعداد، امکاناتی است که تصور کلی آن در خلقت هر مخلوقی بالقوه موجود است. ولی فعلیت یافتن و تحقق تمام یا قسمتی از آن، به حصول فرصت مناسب منوط است (کانت، ۱۳۷۴: ۳). همچنین می‌توان آن را فرایندی منظم و مستمر دانست که هدف آن هدایت رشد همه‌جانبه شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری، هنجارهای موردپذیرش جامعه و همچنین کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است (سیف، ۱۳۸۷: ۳۵).

مال حوزه‌های مختلفی از نیازهای مادی بشر را نیز در بر می‌گیرد، اما بخش عمده‌ای از نیازهای تغذیه انسان با فراهم‌آوری مال امکان‌پذیر است. مال و تغذیه حرام علاوه بر جسم، انسان را از مسیر تکامل روح و روان به ضعف می‌کشاند. همان‌گونه که قرآن کریم برای بیان هر گونه تصرف در اموال دیگران از واژه «أکل» استفاده کرده است؛ مانند این آیه که می‌فرماید «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...» (بقره: ۱۸۸). در این پژوهش منظور از مال حرام، هر نوع استفاده از مال و تغذیه‌ای است که از اموال شرعی و احکام الهی به‌دست نیامده باشد.

شاید گمان شود برای اینکه آن آثار و پیامدهای لقمه حرام پدید آید، لازم است تا مقدار شایان توجهی حرام مصرف شود تا آن حرام تأثیرگذار شود؛ اما این پندار صحیح نیست؛ زیرا رسول خدا ﷺ فرمود: «... إِنَّ اللَّقْمَةَ الْوَاحِدَةَ تُنَبِّتُ اللَّحْمَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳: ۳۱۵). حتی یک لقمه حرام هم تأثیرگذار است و با رویاندن گوشت در بدن، اگر درمان و اصلاح نشود، بر روح و جسم تأثیر خواهد گذاشت. نباید گمان کرد که یک چیز، عدد و رقمی ندارد، گرچه مالیت ندارد، مالکیت دارد (نجفی، ۱۳۶۲؛ ج ۲۲: ۳۴۴؛ طباطبایی یزدی،

۱۳۷۶، ج ۱: ۴۰۶). کسب مال از مواردی است اگر از شیوه صحیح برداشت نشود و افراد به حرام مبتلا شوند، آسیب‌ها و آثار مخربی برای فرد و اجتماع به بار می‌آورد.

۲. مصادیق مال حرام

در قرآن کریم از مهم‌ترین مصادیق مال حرام با واژگانی مانند «سَحْت» (مأئده: ۴۲ و ۶۲)؛ به معنای رشوه (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۰۰) و مکاسب و خوردنی‌های حرام (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۱) یاد شده و در تفسیر به این معانی اشاره شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۳۳۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲: ۳۹۲)؛ و نیز واژه «میسر» (بقره: ۲۱۹؛ مأئده: ۹۰ و ۹۱) که در لغت به معنای قمار (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۸۵۷). «بخس» (اعراف: ۸۵؛ هود: ۸۵؛ مطففین: ۱-۳) در کتب لغت به معنای کم‌فروشی از روی ظلم به کار رفته است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳: ۹۰۷؛ عسکری، ۱۴۰۰، ج ۱: ۱۷۳) و همچنین «سارق» (مأئده: ۳۸؛ ممتحنه: ۱۲) و رُبوا (بقره: ۲۷۵-۲۷۹).

۳. آثار مال حرام

مال حرام یا همان لقمه حرام آثاری را در پی دارد که می‌توان آنها را با تأکید شایان توجهی در آموزه‌های اسلامی مشاهده کرد. اثر مال از دو بعد فردی و اجتماعی امکان بررسی دارد.

۱.۳. آثار مال حرام در بعد فردی

با توجه به اینکه هر عملی اثری دارد که از نفس فرد شروع و سپس در ارتباط با عوامل بیرونی منعکس می‌شود. در ذیل به آثار مال حرام همچون قساوت قلب و انحراف از مسیر حق و ولایت، هدر رفتن مال در کارهای بیهوده، عدم استجابت دعا و قبولی اعمال پرداخته می‌شود.

۱.۱.۳. قساوت قلب و انحراف از مسیر حق و ولایت

یکی از بدترین آثار بی‌مبالاتی نسبت به نفوذ مال حرام در زندگی، قساوت قلب است. به این معنا که در برابر نور حق و هدایت انعطافی نشان نمی‌دهند و از مشاهده مناظر رقت‌آور

متأثر نمی‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۹۱). انسان در حالت سلامت فطری از لطافت خاصی برخوردار است، اما هر بار که به معصیتی دست می‌زند از میزان رقت قلب کاسته می‌شود، تا آنجا که به تدریج آثار خشونت و قساوت قلب در دیدگانش ظاهر می‌شود. «فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ پس وای بر آنان که از سخت‌دلی یاد خدا نمی‌کنند، اینانند که در گمراهی آشکارند» (زمر: ۲۲). قلب مرکز تحول انسان است، پس هر گونه اصلاح و تغییر در رفتار، به اصلاح و تغییر در قلب منوط خواهد بود. همچنین، عدم پذیرش حق و به ستیز برخاستن در مقابل امام حق، وارد شدن در شمار دشمنان ولایت است. امام حسین علیه السلام در خطبه روز عاشورا به مردمی که به جنگ او آمده بودند، فرمود: «فَقَدْ مَلِئْتُ بَطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطَبَعَ عَلَيَّ قُلُوبِكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵: ۸)؛ قطعاً شکم شما از مال حرام پر شده و بر دل‌هایتان مهر خورده. با استفاده از این روایت روشن می‌شود که مال حرام بر احساس انسان اثر می‌گذارد و مانع پندپذیری و پذیرفتن حق می‌شود. چنانکه یکی از مهلک‌ترین و خطرناک‌ترین بلاها و فتنه‌هایی که دام‌گیر افراد آخرالزمان می‌شود، مخلوط شدن حلال و حرام و ناپاک شدن در آمده‌است که منشأ رذایل اخلاقی فرزندان خواهد شد و به فردی گریزان از حق و طرفدار باطل تبدیل می‌شود (نیلی‌پور؛ ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۰۷). در نهایت مفسد حرام‌خواری به خیانت نفسانی، ایجاد غفلت و هوسرانی، کج‌فکری و انحراف عقیدتی و تقویت رذایل اخلاقی منجر می‌شود.

۲.۱.۳. اسراف و هدر رفتن مال در کارهای بیهوده

یکی از علل عمده پیدایش محرومیت‌ها در اجتماع بشری و نارسایی در زمینه وسایل رفاه زندگی و تعلیم و تربیت، اسراف و عدم رعایت اعتدال در خرج مال و ثروت است (یوسفی، ۱۳۸۶: ۵۴). با توجه به فرمایش‌های معصومین علیهم السلام مال حرام از مواردی است که نتیجه آن صرف شدن در کارهای بیهوده است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «دَخَلَ عَلَيْهِ قَوْمٌ

مِنْ أَهْلِ خُرَّاسَانَ فَقَالَ ابْتِدَاءً مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَةٍ مَنْ جَمَعَ مَالًا مِنْ مَهَاوِشٍ أَذْهَبَهُ اللَّهُ فِي نَهَابٍ فَقَالُوا جُعِلْنَا فِدَاكَ لَا نَفْهَمُ هَذَا الْكَلَامَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «از باد آید به دم بشود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۷: ۸۴)؛ «عده‌ای از اهالی خراسان خدمت امام صادق علیه السلام مشرف شدند، حضرت قبل از آن‌که مسئله‌ای را بپرسند، فرمودند: هر کس مالی از راه‌های غیر مشروع به دست آورده، خداوند متعال آن مال را در راه‌های حرام و بیهوده‌ای تباه می‌سازد که نفعی به او نداشته باشد. عرض کردند: ما معنای سخن شما را نفهمیدیم، حضرت به فارسی فرمودند: از باد آید به دم شود، یعنی با کوچک‌ترین جابه‌جایی هوا از بین می‌رود». بنابراین، مال حرام هر قدر هم که زیاد باشد، دوام و ثبوتی ندارد.

۳.۱.۳. عدم استجابت دعا

دعا، پیوند باطنی با مبدأ همه نیکی‌ها و خوبی‌هاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱: ۶۴۳). یکی از مکاتب عالی تربیتی است که انسان را به معرفت خداوند رهنمون می‌کند (حکیمی، ۱۳۷۸: ۲۴۰) و وسیله تقرب به خداوند و دستیابی به آرامش روحی بوده که در روایات متعدد یکی از شرایط استجابت دعا، پرهیز از مال حرام ذکر شده است. در حدیثی قدسی خداوند می‌فرماید: «فَمِنْكَ الدُّعَاءُ وَ عَلَيَّ الْإِجَابَةُ فَلَا تُحْجَبُ عَنِّي دَعْوَةٌ إِلَّا دَعْوَةُ أَكِلِ الْحَرَامِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰: ۳۷۳)؛ «بنده من، تو دعا کن؛ من اجابت می‌کنم. بدان که تمام دعاها به پیشگاه اجابت من می‌رسد؛ مگر دعای کسی که مال حرام می‌خورد».

۴.۱.۳. عدم قبولی اعمال

هدف غایی تربیت، خشنودی و قرب الی الله است (شریعتمداری، ۱۳۷۴: ۱۴۸؛ مظفر، ۱۳۸۰: ۳۰؛ باقری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۰) حصول به چنین هدفی در گروی قبولی اعمال و نماز خواهد بود. در حدیث شریفی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مال حرام سبب بطلان عبادات شده: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامًا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳: ۳۱۴)؛ نماز کسی که لقمه‌اش حرام است تا چهل روز ارزش چندانی ندارد؛ و تا چهل روز دعای او

مستجاب نمی‌گردد...». مفاد چنین روایاتی ما را به این امور رهنمون می‌سازد که خداوند قبولی اعمال را در کسب حلال و رهنمون کردن افراد به تربیت صحیح و متعالی قرار داده است که لازمه این عمل دوری از حرام و شبهات خواهد بود، زیرا کسب حرام در نفس انسان مؤثر است و شخص را از مسیر تکامل دور می‌کند و مانع قبولی اعمال می‌شود.

۲.۳. آثار سوء مال حرام در بعد اجتماعی

تأثیر مال حرام، به زندگی فردی منحصر نیست، بلکه در زندگی اجتماعی و رفتارهای متقابل افراد نسبت به یکدیگر تأثیر بسزایی دارد و هر جامعه‌ای متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگ آن، با انواعی از انحرافات و مشکلات روبه‌روست که تأثیرات مخربی بر فرایند ترقی آن جامعه دارند. شناخت چنین عواملی و سعی در جهت دوری از آن مسیر حرکت جامعه را به سوی پیشرفت و تعامل هموار می‌کند. یکی از آثار مخرب تحصیل مال حرام، وقوع جرم‌ها و گناهان در جامعه است. در ذیل به مهم‌ترین آثار مال حرام در بعد اجتماعی می‌پردازیم که شامل پیامدهای سوء اخلاقی در نسل (که به دو دوره قبل و بعد از تولد تقسیم شده است)، تضييع حقوق اجتماعی، ایجاد فساد اخلاقی و اجتماعی، عدم رضایت پروردگار و نزول بلاهای عمومی و فقر اقتصادی در جامعه هستند.

۱.۲.۳. پیامدهای سوء اخلاقی در نسل

اموال و تغذیه حاصل از جمله مواردی است که بر تربیت جسمانی و روحانی فرزندان مؤثرند. گرچه در علوم امروز بیشتر به مقوی بودن و نوع غذاها توجه شده است، در اسلام علاوه بر نوع تغذیه به مسئله حلیت و حرمت غذا هم توجه می‌شود. چون بسیاری از صفات ظاهری و معنوی غذا از این طریق حاصل می‌شود و فردی که به دلیل بی‌صبری رزقش را از راه حرام به دست می‌آورد، تنها در وجود شخص خلاصه نمی‌شود، بلکه خانواده خویش را از سعادت دور می‌کند و در نسل او نیز استمرار می‌یابد. خداوند در قرآن در این زمینه می‌فرماید: «اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا...»

وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ...» (إسراء: ۶۳)؛ «(ای شیطان) برو! هر کس از آنان که از تو تبعیت کند، جهنم کیفر شماست؛ کیفری فراوان... و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی...». با توجه به اینکه خانواده به عنوان مهم‌ترین کانون بشری، عنصر اساسی در تشکیل، پیشرفت و موفقیت یک جامعه است، سعادت هر جامعه‌ای به موفقیت خانواده‌های آن جامعه منوط می‌شود. در صورت نامشروع بودن راه کسب درآمد و استفاده از آن، شیطان در به وجود آمدن فرزند مشارکت می‌کند و گرایش این فرزندان به گناه بیشتر می‌شود و تربیت آنها با مشکل بیشتر و تکامل اخلاقیشان با اختلال‌هایی روبه‌رو خواهد شد. کسی که نطفه‌اش از حرام منعقد شده است، به فساد و تباهی گرایش دارد و فاسد خواهد شد. مفسر گرانقدر، علامه طباطبایی، در تفسیر آیه فوق بیان کرده‌اند: «مشارکت شیطان، یک معنا و قاعده کلی است که می‌تواند مصادق مختلف داشته باشد. یکی از مصادق آن نطفه‌ای است که از مال حرام منعقد شده است؛ زیرا شیطان از آن نفع می‌برد و آن کس که از راه حرام فرزندی به دنیا آورد و یا از راه حلال به دنیا آید، اما صحیح و مطابق با آداب الهی تربیتش نکند، در این صورت سهمی از آن فرزند را برای خود و سهمی را برای شیطان قرار داده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ۱۴۶). تأثیر منفی مال حرام بر صالح بودن فرزند را می‌توان در دو دوره بررسی کرد. نخست اینکه نطفه فرزند زمانی منعقد شود که والدین اموال را از راه حرام کسب کرده باشند؛ دوم در طول دوران بعد از تولد، از مال حرام استفاده کند. در ذیل به آثار مال و لقمه حرام در دوران قبل و بعد از تولد به اجمال پرداخته می‌شود.

الف) دوران قبل از تولد

براساس آموزه‌های دینی، یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین مراحل تکوین شخصیت هر فرد، مرحله تشکیل و انعقاد نطفه اوست. در این مرحله چگونگی کسب رزق گام مؤثری برای تکوین شخصیت فرزندان و نسل ولایی خواهد بود. در قرآن آمده است که

طعام حضرت مریم علیها السلام قبل از تولد حضرت عیسی علیه السلام از بهشت بود. خداوند می فرماید: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَىٰ لَكَ هَٰذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ پس پروردگارش وی [مریم] را با حُسنِ قبول پذیرا شد و او را نیکو بار آورد، و زکریا را سرپرست وی قرار داد. زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می شد، نزد او [نوعی] خوراکی می یافت. [می]گفت: ای مریم، این از کجا برای تو [آمده است؟ او در پاسخ می]گفت: این از جانب خداست، که خدا به هر کس بخواهد، بی شمار روزی می دهد» (آل عمران: ۳۷). مادری مانند حضرت مریم علیها السلام، محل تربیتی مثل مسجد و سرپرستی همچون زکریای پیامبر و با تغذیه ای بهشتی، محصولش فرزندی چون عیسی می شود. با توجه به آیه، عوامل مؤثر در تربیت عبارتند از: روح پاک مادر (که حاصل عبادت است)، جسم سالم (برای تربیت جسمی فرزند)، تعلیم و تربیت الهی و تغذیه پاک و حلال است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۵۳). غذای مادر بر جنین تأثیرگذار است، اگر نطفه جنین از مال حلال منعقد شود، سبب فراهم کردن زمینه مساعد برای رشد آینده طفل می شود، و در صورت حرام بودن، زمینه «شقاوت» در نهاد فرزندان هموار خواهد شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأثیر فراوان رفتار، گفتار و خوراک مادران را بر فرزندان با این بیان تأکید کرده اند: «الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۹۵)؛ «بدبخت کسی است که در رحم مادر بدبخت و سعتمند نیز کسی است که در رحم مادرش سعید و خوشبخت است». امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید: «...غِذَاؤُهُ مِمَّا تَأْكُلُ أُمُّهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُ أُمُّهُ تُنَسِّمُهُ تَنْسِيمًا...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۳۴۲)؛ «... غذای جنین از چیزی که مادر می خورد و می آشامد تأمین می شود و آهسته آهسته از وجود مادر می گیرد...».

بنا بر آنچه گذشت، نحوه کسب تغذیه بر روی جنین در رابطه با مرحله قبل از تولد تأثیرگذار است، علاوه بر اینکه غذای مادر باید کامل و سالم باشد، باید حلال هم باشد،

چون روح و جسم فرزند داخل رحم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. البته شایان ذکر است که اگر والدین از مال و تغذیه حرام استفاده کردند گرچه در شقاوت بجهه دخالت دارد، این گونه نیست که فرزند نتواند خویش را به سعادت برساند. اراده انسان باقی است و انسان با اراده‌اش می‌تواند به قرب الهی برسد، چنانکه می‌تواند با اراده‌اش به اسفل السافلین برسد (مظاهری، ۱۳۸۱: ۱۳).

ب) دوران بعد از تولد

بنا به اصل علیت، غذای حرام بر روح و روان انسان بسیار تأثیرگذار است و این تأثیر بر تربیت فرزند به هیچ وجه انکارپذیر نیست. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «كَسَبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِيَّةِ؛ آثار کسب حرام در نسل آدمی آشکار می‌شود» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۹: ۶۸۰). لقمه حرام، چنان در جان و روان فرزند اثر می‌گذارد که نمی‌تواند به آسانی از افاضات نورانی حق تعالی کسب نور کند و به سعادت راه یابد. زیرا کسی که از راه نامشروع مال جمع کند، در اثر تغذیه حرام، زمینه گمراهی را در فرزندانش آماده می‌کند.

در این زمینه مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی می‌نویسد: چون غذای حرام به شکم وارد شد و قوت یافتن و بسته شدن نطفه‌ای که با لقمه حرام بسته و رشد یافته، چیزی جز خباثت نیست (نهاوندی، ۱۳۳۶: ۴۳۰). مصداق آیه: «وَالَّذِي خَبِثَ لَأَيُّخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا...» (اعراف: ۵۸)؛ از خبیث چیزی جز خبیث خارج نشود. حاصل اینکه، شیر بر روی فرزند تأثیرگذار است. چنانچه غذایی که مادر می‌خورد مقوی باشد، در بنیه و قوه بجهه تأثیر دارد، از نظر معنویات هم تأثیر فراوانی بر فرزند دارد.

۲.۲.۳. تزییع حقوق دیگران

رعایت حقوق اجتماعی دیگران در منابع و متون اسلامی جایگاه خاصی دارد و از عمده‌ترین اهداف بعثت پیامبران است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)؛ به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه

کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند». عدل در عرف عام به معنای رعایت حقوق دیگران به کار می‌رود (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۶۰). احترام به حقوق دیگران یکی از اساسی‌ترین اهداف تربیت در ادیان آسمانی محسوب می‌شود (شریعتمداری، ۱۳۷۴: ۱۴۸). اما بعضی از انسان‌ها با تضييع حقوق دیگران با حکم الهی مخالفت می‌کنند و کسب روزی و سرمایه را مهم‌ترین و شاید تنها هدف زندگی قرار داده‌اند که این تفکر اولاً، انسان‌ها را از هدف غایی و فلسفه خلقتشان دور می‌کند؛ ثانیاً، بسیاری از آنها را برای به دست آوردن متاع اندک دنیا، به تضييع حقوق دیگر انسان‌ها و نارضایتی پروردگار سوق داده است. این نوع تضييع کردن در هر بعدی از اقتصاد، فرهنگ، سیاست و ... رخ می‌دهد. در این قسمت به تجاوز مالی و ایجاد جرم و جنایت اجتماعی (که نوعی تضييع حقوق دیگران است) به اجمال پرداخته می‌شود.

الف) تجاوز به اموال دیگران

در آموزه‌های اسلامی اموالی که از راه ضایع کردن حقوق دیگران و تصرف در اموال آنان کسب شده باشد، جزو مفسد حرام به‌شمار می‌رود و از آن نهی شده است. خداوند در آیاتی از قرآن به انسان هشدار می‌دهد که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...» (نساء: ۲۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا نخورید...» و هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حق باشد، ممنوع شناخته شده است. در روایتی امام صادق علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام فرمود: «لَيْسَ بَوْلِي لِي مَنْ أَكَلَ مَالَ مُؤْمِنٍ حَرَامًا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰: ۷)؛ «دوست من نیست کسی که مال مؤمنی را از روی حرام بخورد». آنگاه که حرام‌خواری در میان اکثریت افراد جامعه شایع شود، و ثروت‌ها و رشوه‌های حرام در میان افراد بانفوذ جامعه توزیع شود و در یک کلام «تقوای اقتصادی» بر درآمدها حاکم نباشد، به ناهنجاری‌های تربیتی منجر خواهد شد و لایابالی‌گری و بی‌دینی و ضایع کردن حقوق و اموال دیگران به شدت شایع می‌شود.

ب) جرم و جنایت در جامعه

از هر جامعه‌ای انتظار می‌رود که از ارزش‌ها و هنجارها تبعیت کنند؛ اما برخی از افراد پاره‌ای از این ارزش‌ها را رعایت نمی‌کنند و سبب ایجاد ناامنی، جرم و جنایت و دورکننده فرد از تربیت و هدف غایی می‌شود که یکی از عوامل پایه و اصلی آن شاید مال حرامی باشد که کسب کرده‌اند.

روایتی از امام حسین علیه السلام وجود دارد که در روز عاشورا سپاهیان عمر بن سعد را خطاب قرار دادند، اما آنها از شنیدن سخن حق سر باز زدند و حضرت علیه السلام علت سرکشی آنان را چنین بیان می‌کنند: «...فَقَدْ مُلِئْتُ بِطُؤُنِكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ طُبِعَ عَلَيَّ قُلُوبِكُمْ... وَ قَتَلْتُمْ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَ مُبِيرِي عِتْرَةِ الْأَوْصِيَاءِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵: ۸)؛ «... قطعاً شکم شما از مال حرام پر شده و بر دل‌هایتان مهر خورده است ... شما باید قاتلان فرزندان پیامبران و نابودکنندگان عترت اوصیا ...». از فهم این روایت به دست می‌آید، مالی که از جهت نامشروع به دست آید و استفاده شود، از مواردی است که سبب قساوت قلب در افراد می‌شود و در نهایت نتیجه‌ای مانند روز عاشورا دارد که همان قتل، ناهنجاری‌ها و آشوب‌های اجتماعی در پی داشته باشد.

۳.۲.۳. ایجادکننده فساد و رذایل اخلاقی

یکی دیگر از آثار مال حرام، ایجاد فساد اخلاقی در جامعه است. بهره بردن از طریق نامشروع و حرام تقویت‌کننده و سوسه‌های شیطان است که مرحله به مرحله، و تدریجی محسوب می‌شوند و ابتدا با پیروی از خواهش‌های نفسانی شروع می‌شود و در نهایت به جامعه سرایت پیدا می‌کند. پیروی از شیطان و نفس اماره هرگز انسان پاکدامن را یکباره به آغوش فساد نمی‌کشاند؛ بلکه او را قدم به قدم به سمت آلودگی و گناه و فحشا می‌کشاند.

چنانکه ذکر شد در برخی از آیات و روایات مرتبط با «مال حرام»، آثار تربیتی آن به صورت شرط جزا تصریح نشده است، اما از در کنار هم قرار گرفتن آن با برخی از گزاره‌ها مثل طغیان و ... نتیجه می‌گیریم مالی که حرام است این آثار را دارد.

امر به استفاده از رزقی که خداوند به آدمی داده، امر به بهره‌بردن از حلال است و هشدار برای اینکه از شیطان پیروی نکنید، در آیاتی از قرآن ذکر شده است: «... كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمُ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (أنعام: ۱۴۲)؛ «... از آنچه خدا روزیتان کرده است بخورید، و از پی گام‌های شیطان مروید که او برای شما دشمنی آشکار است» زیرا شیطان شما را به زشتی‌های عقلی از اخلاق رذیله و افعال زشت، و چه شرعیه مثل معاصی امر می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (نور: ۲۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پای از پی گام‌های شیطان منهدید، و هر کس پای بر جای گام‌های شیطان نهد [بداند که] او را به زشتکاری و ناپسند وامی‌دارد. «فحشا» به معنای هر اعمال زشتی است که قبح آن بیش از حد باشد (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳: ۱۰۱۴) و کنایه از زناست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۶۲۶). آیات این نتیجه را می‌دهد که کسب حرام با زشتی‌های اخلاقی در ارتباط با جامعه نشان داده می‌شود که به فساد و فحشای اخلاقی از جمله زنا و اموری مانند دزدی و امثال آن منجر می‌شود، چون از وسوسه‌های نفسانی پیروی شده است که به انحراف در راه کسب و مشکلات اخلاقی _ فرهنگی می‌انجامد.

۴.۲.۳. عدم رضایت پروردگار و نزول بلاهای عمومی

همان‌طور که ذکر شد هدف غایی تربیت، رضایت پروردگار و قرب الی‌الله است. اما با رواج برخی عوامل از جمله کسب حرام به صورت غیرمستقیم، سبب نارضایتی پروردگار، عامل دورکننده از تربیت و تعالی روح و منجر شدن به نزول بلاهای عمومی می‌شود. آیه شریفه: «ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

(روم: ۴۱)؛ «به سبب آنچه دست های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است، تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده اند، به آنان بچشانند، باشد که بازگردند». مراد از فساد در زمین، مصایب و بلاهایی عمومی است. «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» یعنی این فساد ظاهر در زمین، بر اثر اعمال مردم است. بین اعمال مردم و حوادث عالم رابطه مستقیم وجود دارد که هر یک متأثر از صلاح و فساد دیگری است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۱۹۵). چنانکه ذکر شد، کسب حرام از جمله مواردی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم سبب تضييع حقوق دیگران می شود و به این دلیل نوعی فساد در زمین به شمار می رود که از جمله عوامل زمینه ساز بلاهای عمومی است.

۵.۲.۳. فقر اقتصادی در جامعه

برای رسیدن به هدف غایی تربیت، شناخت ارزش و قداست کار و معاش حلال و تقویت روحیه مبارزه با بهره کشی اقتصادی و مشاغل خلاف مصالح جامعه اسلامی، امری ضروری و بر تربیت تأثیرگذار است (باقری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۰). اما برخی از هدف غایی دور شده اند و اموالشان را از مسیر حرام کسب می کنند که چنین امری سبب فقر در اقتصاد جامعه و دور شدن از مسیر تعالی روح و تربیت می شود.

آیت الله جوادی آملی یکی از آثار درآمدهای فاسد و حرام را، قحطی و کمبود می داند که به بسیاری از مفاسد منجر می شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۹۴) و به روایتی از رسول خدا استناد می کند که رسول خدا ﷺ می فرماید: «... إِذَا طُفِّفَ الْمِكْيَالُ وَالْمِيزَانُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰: ۳۶۹)؛ «... پس هرگاه کم فروشی شود، خداوند مردم را به قحطی و کمبود گرفتار سازد...». کم فروشی یکی از مصادیق کسب مال حرام است و از آسیب های آن، فقر و قحطی برای عده ای از مردم خواهد بود. اگر مال در مجموعه کالبد اجتماع گردش سالم و متوازن نداشته باشد و بعضی از اندامها بهره حاصل شده را از حرام کسب کنند و اموال عمومی را بخورند، سبب سست شدن زندگی و فقر می شود (حکیمی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۱۷۰-۱۷۲). از این رو برای اقتصاد سالم در جامعه

اسلامی و رساندن به اقتدار و مقاومت باید رزق حلال و پایبندی به قانون حلال را ترویج کرد تا به آن هدف تعالی رشد و سعادت جامعه نائل شوند و اگر حرام رواج یافت، سبب مشکلات اقتصادی و در نتیجه فساد و مشکلات اخلاقی و تربیتی می‌شود.

در روایت دیگری پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «وَمَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حَلِّهِ أَفْقَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶: ۳۸۲)؛ «هرکس مالی از راه نامشروع و حرام به دست آورد، خداوند تعالی او را فقیر و نیازمند می‌سازد». چنین بر می‌آید که انجام اقدامات نابخردانه و بی‌توجهی به دستورات دینی در زمینه کسب مال حلال، زمینه ورشکستگی و تنگدستی را فراهم می‌کند. امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام فقر و تنگدستی را کلید و مقدمه شروع مسائل اجتماعی و بدبختی دانسته‌اند و فرموده‌اند: «الْمُسْكِنَةُ مِفْتَاحُ الْبُؤْسِ؛ فقر کلید بدبختی است» (حلی، ۱۴۰۸: ۲۹۷).

با توجه به آیات و روایات مذکور، فراموش کردن یاد خداوند و غافل شدن از اینکه دنیا دار امتحان و آزمایش است. سبب شده، فرد برای رفع نیازهای مادی در ورطه کسب حرام بیفتد و به دلیل این اعمال بندگان خداوند، آنها را در دنیا دچار ورشکستگی می‌کند که عامل بسیاری از مشکلات و مسائل اجتماعی - اقتصادی و ... است.

نتیجه‌گیری

حاصل آنچه از آیات و روایات معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام بر می‌آید این است که بهره بردن از مال و لقمه حرام بر روح آدمی تأثیرگذار است و علاوه بر اینکه سلامت فرد را دچار مشکل و زمینه ارتکاب گناه را در او فراهم می‌کند، فرد را از انسانیت ساقط و قلب و دل انسان را تاریک خواهد کرد. همچنین در روابط اعضای خانواده اثر دارد و در نتیجه سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد، نسل انسانی را فاسد می‌کند و دعا و طاعات کسی که لقمه حرام می‌خورد، مستجاب نمی‌شود، بنابراین سبب متلاشی شدن اصول اخلاق اجتماعی می‌شود و چنین اجتماعی به آنجا می‌رساند که از لحاظ فرهنگی و اقتصادی مشکلات فراوانی دارد.

منابع

۱. قرآن کریم- ترجمه فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، تهران: دارالقرآن الکریم.
۲. باقری، خسرو (۱۳۸۹). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی.
۴. تهانوی، محمد علی بن علی (۱۴۰۴). کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، استانبول: دار قهرمان.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). مفاتیح الحیاه، چاپ اول قم: إسرائ.
۶. جوهری، اسماعیل بن عماد (۱۳۷۶). صحاح، بیروت: دارالعلم المالین.
۷. حکیمی، محمد رضا (۱۳۷۸). جامعه‌سازی قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. حکیمی، محمد رضا (۱۳۷۱). الحیاه، مترجم: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۶). سیری در تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۲). لغت‌نامه دهخدا، چاپ اول تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت.
۱۲. سیف، علی اکبر (۱۳۸۷). روان‌شناسی پرورشی نوین، تهران: دوران.
۱۳. شریعتمداری، علی (۱۳۷۴). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۴. طباطبایی یزدی، سید محمد (۱۳۷۶). عروه الوثقی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم: حوزه علمیه.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

۱۷. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰). *الفروق فی اللغة*، بیروت: دار الافاق الجديده.
۱۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. فرائی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۰. کانت، ایمانوئل (۱۳۷۴). *تعلیم و تربیت و مراحل آن*، مترجم: شکوهی، غلامحسین، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۱. گوهری، اسماعیل (۱۳۸۷). *مفاسد مال و لقمه حرام*، چاپ اول تهران: همای دانش.
۲۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. محمودیان، حسین (۱۳۸۹). *بررسی اثر کسب درآمد حلال در تربیت انسان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۸). *آموزش عقاید*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). *تعلیم و تربیت در اسلام*، قم: صدرا: ۴۱۰.
۲۶. مظاهری، حسین (۱۳۸۱). *تربیت فرزند از نظر اسلام*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۷. مظفر، محمد رضا (۱۳۸۰). *عقاید الامامیه*، ترجمه علی‌رضا مسجدجامعی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. نجفی، محمد حسن بن باقر (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، پژوهش و تعلیق محمد قوچانی، سید ابراهیم میانجی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. نراقی، احمد (۱۳۷۴). *معراج السعاده*، انتشارات پیام.
۳۱. نهایندی، علی اکبر (۱۳۳۶). *خزینة الجواهر فی زینة المنابر*، انتشارات اسلامیه.
۳۲. نیلی‌پور، مهدی (۱۳۸۶). *بهشت اخلاق*، بی‌جا، انتشارات مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج).
۳۳. یوسفی، احمد علی (۱۳۸۶). *نظام اقتصادی علوی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.